

# در تعالیم راجعه بصحّت بدن و تربیت و آداب و اخلاق و شؤون متفرعه بر آنها

حضرت بهاء الله، حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



امر و خلق - جلد 3

## أ - در تعالیم راجعه بصحّت بدن و تربیت و آداب و اخلاق و شؤون متفرعه بر آنها

از حضرت بهاء الله در لوحی است . قوله جلّ و علا : بسم الله الرحمن الرحيم مقصود از نگاہهای آسمانی و آیات الهی آنکه مردمان بر راستی و دانائی تربیت شوند که سبب راحت خود و بندگان شوند هر امری که قلب را راحت نماید و بر بزرگی انسان بیفزاید و ناس را راضی دارد مقبول خواهد بود مقام انسان بلند است اگر به انسانیت مزین و الا پست تر از جمیع مخلوق مشاهده میشود بگوای دوستان امروز را غنیمت شمردید و خود را از فیوضات بحر تعالی محروم ننمائید از حق میطلبیم جمیع را بطراز عمل پاک و خالص درین یوم مبارک مزین فرماید آنه هو المختار .

و قوله عزّ کبریاة : بعض عقول شاید بعض حدودات مذکوره در کتب الهیه را لاجل عدم اطلاع بر مصالح مکنونه در آن تصدیق ننمایند ولکن آنچه از قلم قدم در این ظهور اعظم در اجتماع و اتحاد و اخلاق و آداب و اشتغال بما ینتفع به الناس جاری شده احدی انکار ننموده و نمی نماید مگر آنکه بالمره از عقل محروم باشد اگر احبای الهی به طراز امانت و صدق و راستی مزین نمانند ضرش بخود آن نفوس و جمیع ناس راجع اولاً آن نفوس محل امانت کلمه الهیه و اسرار مکنونه ربانیه نخواهند شد و ثانی سبب ضلالت و اعراض ناس بوده و خواهند بود و من ورائهما قهر الله و غضبه و عذاب الله و سخطه .



ORIGINAL

و قوله عظم برهانه : ای فرزند کنیز من لازال هدایت به اقوال بوده و این زمان به افعال گشته یعنی باید جمیع افعال قدسی از هیکل انسانی ظاهر شود چه در اقوال کلّ شریک اند و لکن افعال پاک و مقدّس مخصوص دوستان ماست پس بجان سعی نمائید تا بافعال از جمیع ناس ممتاز شوید کذلک نصحناکم فی لوح قدس منیر .

و قوله الاعلی : باید بکمال حکمت بانچه مصلحت امر مشاهده میشود ناظر باشد و عامل گردید و اعمال مقدم است بر اقوال عمل طیب ممیز بوده و خواهد بود .

و قوله الاعزّ الاحلی : رأس الایمان هو التقلّل فی القول و التکثر فی العمل و من کان اقواله ازید من اعماله فاعلموا انّ عدمه خیر من وجوده و فئاته احسن من بقائه .

و قوله الاقدس الابهی : زینوا انفسکم بطراز الاعمال و الذی فاز بالعمل فی رضاه الله من اهل البهائه قد کان لدی العرش مذکوراً .

و در لوحی خطاب بزین المقربین است : قل یا قوم تمسکوا بما أمرتم به فی الکتاب و زینوا انفسکم بالاخلاق الّتی امرنا الکلّ بها فی لوح مبین انّ الذی عمل بما امره الله الله من اهل البهائه یشهد بذلك الملائ الاعلی و الذی نبذّه الله من الغافلین .

و در لوحی خطاب به حاجی میرزا حیدرعلی است : یا حیدر قبل علی علیک بهاءالله قل انّ الانسان یرتفع بامانته و عقته و عقله و اخلاقه و یهبط بخیانته و کذبه و جهله و نفاقه لعمری لا یسمو الانسان بالزینة و الثروة بل بالآداب و المعرفة .

و قوله : لعمر الله سیف الاخلاق و الآداب احد من سیوف الحديد .

و در آثار حضرت عبدالبهائه است قوله العزیز : فوالله الذی لا اله الا هو الیوم خدمتی بامر الله اعظم از تخلّق باخلاق نیست و مضرتی بدین الله اعظم از صفات قبیحه نه البته نفسی ضربت بر هیکل عبدالبهائه زند گواراتر ازین است که عملی ازو صدور یابد که مخالف منقبت عالم انسانی است زیرا این زخم را مرهم و این ضربت را التیام میسر اما آن جرح عظیم را التیامی نه و آن سمّ نقیع را درمانی نیست .

و قوله المحبوب : و اما مسأله پنجم هیچ عملی در عالم وجود بی ثمر نماند اما عمل با عرفان مقبول و تام و کامل و آن این است که انسان بمعرفة الله فائز و به اعمال خیریه موفق و حائز گردد با وجود این البته اعمال خیریه از برای نفوس سائره ولو از عرفان بی بهره البته بی ثمر نیست یعنی دو نفس بیخ بر از حق محروم از عرفان یکی عادل و دیگری ظالم یکی صادق و دیگری کاذب یکی خائن و دیگری امین یکی سبب آسایش عالم انسانی و دیگری

سبب زحمت و خونخواری و هر دو غافل از حق این دو شخص در نزد حق متساوی نیستند بلکه فرق بی‌منتهی در میان .

هو الله ای جنود حیات شرق و غرب پرستش نجوم آفله نمایند و عبادت آفاق مظلّمه از اسّ اساس شرایع مقدّسه الهیه غافل و از فضائل و کمالات دین الله ذاهل عادات و رسومی چند را ارکان شریعت الله شمرده‌اند و بر آن معتکف گشته‌اند و خویش را مطیع و منقاد انبیاء و اولیاء شمرند و همچو گمان کرده‌اند که باعلی مرقی فلاح و نجات رسیده‌اند و حال آنکه در اسفل جهل زیستند و بکلی از مواهب الهیه محروم و بی نصیب گشتند و سبب این حرمان آنکه باسّاس اصلی پی نبردند و در ترقّی در عوالم روحانی و مقامات سامیه رحمانی نکوشیدند اساس دین الله اکتساب کمالاتست و استفاضه از فیوضات مقصد از ایمان و ایقان تزیین حقایق انسانی بفیض کمالات ربّانیت اگر این حصول نیابد حقیقت حرمانست و عذاب نیران پس بهائیان باید نظر باین امر دقیق نمایند که مانند سائر ادیان بعربده و های و هوئی و لفظ بی‌معنی کفایت نمایند بلکه بجمیع شئون از خصائل و فضائل رحمانی و روش و رفتار نفوس ربّانی قیام کنند و ثابت نمایند که بهائی حقیقی هستند نه لفظ بی‌معنی و بهائی اینست که شب و روز بکوشد تا در مراتب وجود ترقّی و صعود نماید و نهایت آرزوی هر یک این باشد که نوعی روش و حرکت نماید که جمیع بشر از آن مستفیض و منور گردند و نقطه نظر گاهش همواره خلق و خوی حق باشد و روش و سلوکش سبب ترقّیات نامتناهی گردد و بقدر قوه رحمت عالمیان شود و بقدر استعداد موهبت عالم انسان گردد چون باین مواهب موفق شود میتوان گفت که بهائی است و الا در این دور مبارک که نخر اعصار و قرونست ایمان عبارت از اقرار بوحدانیت الهیه نه بلکه قیام بجمیع شئون و کمالات ایمانست .

و نیز از حضرت بهاءالله است قوله الا کدّ الاقوی : و دیگر بافعال و اعمالی ظاهر شده‌اند که نزدیک اسم غفار از تطهیر این بخار نجلت برد جمیع بجائر را مرتکب‌اند و از صغیر ناس را منع می‌نمایند اظهاراً لتقویهم مثل آنکه در ما حرم علیهم فی کل الاحوال تصرف نموده‌اند و بر نفس ظهور بعد که در جمیع الواح الله مرقوم که اگر بغیر حجت هم ظاهر شود نفسی سخن نالایق ذکر ننماید مع ظهور حجت و برهان با تمّها بر قتلش فتوی دادند ولکن در الواح ناریه خود می‌نویسند لا تأکلوا البصل و لا تشرّبوا الدّخان و امثال ذلک .